

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

عرض کردیم که در مقام بیان اصل عملی در مساله، مرحوم آخوند(ره) در کفایه فرموده‌اند: کسانی که در بحث اقل و اکثر ارتباطی اشتغالی‌اند، قطعاً در ما نحن فیه هم اصل عملی اشتغال را جاری می‌کنند و ما هم عرض کردیم که در ما نحن فیه به طریق اولی هست.

اما بر خلاف دیگران مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: کسانی که در مساله اقل و اکثر ارتباطی برائتی‌اند، یعنی برائت عقلی را جاری می‌کنند، در مانحن فیه نمی‌توانند برائت عقلی را جاری کنند و در ما نحن فیه حتماً باید اشتغال و احتیاط عقلی را جاری کنند.

سه تفسیر و توجیه برای عبارت آخوند(ره) در ما نحن فیه

بیان ایشان را مفصلاً عرض کردیم، البته عبارت مرحوم آخوند(ره) در این قسمت، از عبارتهایی است که، انصافاً یک مقداری مشکل است. بعضی ادعا کردند که، برای عبارت مرحوم آخوند(ره) در این قسمت، سه تفسیر وجود دارد و سه توجیه در کلمات بزرگان برای عبارت مرحوم آخوند(ره) هست.

توجیه محقق نائینی(ره) برای عبارت آخوند(ره)

یک توجیه از فرمایشات مرحوم محقق نائینی(ره) استفاده می‌شود که فرموده‌اند: وجهی که سبب فرق بین این مساله و مساله اقل و اکثر در نظر مرحوم آخوند(ره) هست این است که، مرحوم آخوند(ره) خواسته‌اند، بین اسباب و مسببات عادی و اسباب و مسببات شرعی فرق گذارند.

در مساله اقل و اکثر وقتی شک می‌کنیم که، آیا سوره جزئیت برای نماز دارد یا نه؟ آیا سوره در غرض مولا دخالت دارد یا نه؟ این خودش یک عنوان و سبب شرعی دارد، یعنی قابلیت این را دارد که، شارع این سوره را بیان کند. اما در ما نحن فیه مساله سبب و مسبب عادی مطرح است.

در مانحن فیه وقتی روی مبنای مرحوم آخوند(ره) می‌گوییم: اخذ قصد قربت در متعلق امکان ندارد، نتیجه‌اش این می‌شود که، سببیت قصد قربت برای حصول غرض مولا، یک سببیت عادی و تکوینی است و نه یک سببیت شرعی. نمی‌دانیم که آیا دفن

میت بنفسه در حصول غرض مولا کافی است، یا برای تحصیل غرض مولا، نیاز به قصد قربت داریم.

اگر قصد قربت بخواهد در حصول غرض مولا موثر باشد، این تاثیر، یک تاثیر تکوینی است و نه یک تاثیر جعلی و شرعی.

مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: مرحوم آخوند(ره) در ذهنشان این مطلب است و خواسته‌اند بفرمایند: حال که حاکم به اعتبار قصد قربت عقل است و عقل می‌گوید: چیزی که در غرض مولا دخالت دارد، باید آورده شود، اینجا دیگر جای براءت نیست و براءت در اسباب عادی جریان ندارد.

براءت عقلیه را نمی‌توانیم در اسباب و مسببات عادی جاری کنیم. در اسباب و مسببات شرعی، هم براءت عقلی جاری می‌شود و هم براءت شرعی، اما در اسباب و مسببات عادی، جایی برای اجرای براءت عقلی نیست.

نقد و بررسی این توجیه مرحوم نائینی(ره)

این فرمایش نائینی(ره) هم از نظر مبنا محل اشکال است و هم این که اصلاً عبارت مرحوم آخوند(ره) حتی اشعاری به فرق میان اسباب و مسببات عادی و شرعی ندارد.

قاعدتا عبارت مرحوم آخوند(ره) را ملاحظه فرمودید، عبارت مرحوم آخوند(ره) به هیچ وجه در این مساله حتی اشعاری هم ندارد، تا چه رسد به این که بگوییم: ظهور در این معنا دارد. لذا لازم نیست که بحث کرده و بگوییم: این مبنا که اصلاً در اسباب و مسببات عادی، جایی برای اجرای براءت عقلی نیست یا جای جریان براءت هست، دیگر نیازی به بحث آن هم نداریم.

توجیه محقق خویی(ره) برای عبارت آخوند(ره)

تفسیر دومی هم در فرمایشات مرحوم محقق خویی(اعلی الله مقامه الشریف) است که فرموده‌اند: آنچه در نظر مرحوم آخوند(ره) سبب شده که بین المسالتین فرق گذارد این است که، وقتی این عمل را بدون قصد قربت انجام می‌دهیم، شک می‌کنیم که آیا غرض مولا، حاصل شده یا نه؟ در اقل و اکثر ارتباطی، نمی‌دانیم نماز 9 جزء است یا 10 جزء؟ که در آنجا اقل برای ما یقینی است و شک در اکثر، ممکن است برگردد به شک در تکلیف زائد.

در مساله اقل و اکثر ارتباطی، شک ما به حصول غرض بر نمی‌گردد، البته فرمایش ایشان را عرض می‌کنیم، اما در ما نحن فیه مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند که: شک ما به حصول غرض بر نمی‌گردد.

مرحوم خویی(ره) بعد از این که کلام مرحوم آخوند(ره) را این طور توجیه کرده، اشکال کرده‌اند که، چه فرقی بین این دو مساله وجود دارد، آنجا هم وقتی شک داریم که، آیا سوره محقق شده یا نه؟ بالاخره شک ما بر نمی‌گردد به این که، آیا نماز بدون سوره در حصول غرض مولا دخالت دارد یا نه؟

نقد و بررسی این توجیه مرحوم خویی(ره)

آنچه که از عبارت مرحوم آخوند(ره) به خوبی استفاده می‌شود این است که، در عبارت مرحوم آخوند(ره) مساله شک در حصول غرض ذکر نشده. آنچه که مرحوم آخوند(ره) در اینجا در مقام بیان فرق بین المسالتین فرمود این است که: نمی‌دانیم که

آیا با این عمل بدون قصد قربت، عهده ما از آن تکلیف معلوم خارج می‌شود یا نه؟

یک تکلیف برای ما مسلم و معلوم است، نمی‌دانیم بدون قصد قربت آیا این عهده و ذمه ما بری می‌شود یا نه؟ در عبارت ایشان مساله اصلا روی شک در حصول غرض نرفته است.

فرموده‌اند: تکلیفی مسلم هست، اخذ قصد قربت هم، اگر در مطلوب مولا دخالت داشته باشد، اثبات کردیم که اخذش در متعلق به نظر مرحوم آخوند(ره)، «لا بالامر الاول و لا بالامر الثاني» امکان ندارد و ما هم بین دو عمل مرددیم.

توجیه استاد محترم نسبت به عبارت مرحوم آخوند(ره)

شاید خواسته‌اند یک شبه علم اجمالی درست کرده و بگویند: ما علم اجمالی داریم به این که تکلیف مردد است بین العملین، به عقل که مراجعه می‌کنیم می‌گوید: در موارد علم اجمالی، جای اجرای اصالة البرائة نیست، بلکه جای احتیاط و اشتغال است.

ممکن است در ذهن شما هم بیاید و بگویید: در مساله اقل و اکثر هم علم اجمالی داریم، آنجا هم وقتی نمی‌دانیم در نماز، سوره دخالت دارد یا نه؟ علم اجمالی داریم که تکلیف احد الامرین است؛ یا نماز با سوره و یا نماز بدون سوره. اما در آنجا مساله علم اجمالی سبب احتیاط نمی‌شود، برای این که علم اجمالی انحلال پیدا می‌کند به یک علم تفصیلی و شک بدوی، لذا قابلیت اجرای برائت در آن نسبت به مقدار زائد هست.

اما در اینجا انحلالی در کار نیست، چون نمی‌دانیم از اول که شارع دفن میت را واجب کرده، آیا این خصوصیت معتبر بوده یا نه؟ علم اجمالی داریم به این که یکی از این دو نوع، به عنوان تکلیف ما هست، انحلالی هم در کار نیست و لذا جای اشتغال است.

سؤال:....؟

پاسخ استاد: نکته‌ای را که دیروز عرض کردم این است که، روی مبنای مرحوم آخوند(ره) که اخذ قصد قربت محال است، یعنی شارع اگر در دفن میت قصد قربت را معتبر بداند، لا بالامر الاول و لا بالامر الثاني ممکن نیست که بیان کند، لذا روی این مبنا شارع نمی‌توانسته در متعلق بیاورد و چون احتمال می‌دهیم در غرض مولا دخالت داشته باشد، لذا عقل می‌گوید: باید احتیاط کنیم.

این توضیحی که عرض کردم برای این است که، خودتان در عبارت مرحوم آخوند(ره) یک مقدار، دقت بیشتری داشته باشید.

محور فرمایشات مرحوم آخوند(ره) حول دو مطلب

مطلب اول مرحوم آخوند(ره)

علی ای حال عبارت مرحوم آخوند(ره) مثل خیلی از عبارات کفایه، دارای تفسیرها و توجیه‌های متعددی است. آنچه که مهم است در اینجا این است که، بالاخره محور فرمایش مرحوم آخوند(ره) حول این دو مطلب است؛ یک مطلب این است که فرموده‌اند: در ما نحن فیه قاعده قبح عقاب بلا بیان که، مستند برای برائت عقلیه است، جریان ندارد، برای این که انحلال در این علم اجمالی که توضیح دادیم، وجود ندارد، لذا خود همین علم اجمالی بیان می‌شود و دیگر قاعده قبح عقاب بلا بیان در اینجا جریان ندارد، تا بخواهیم برائت عقلیه را جاری کنیم.

اگر در جایی قاعده قبح عقاب بلا بیان جریان نداشت، نوبت به اشتغال عقلي می‌رسد.

نقد و بررسی مطلب اول مرحوم آخوند(ره)

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که، این فرمایش مرحوم آخوند(ره) روی این مبناست که، شارع نمی‌تواند به هیچ نحوی بیان کند، بلکه اگر از اول بگوییم: شارع قدرت بیان اعتبار قصد قربت را به هیچ نحوی ندارد، وقتی نداشت علم اجمالی درست می‌شود که، جلوی قاعده قبح عقاب بلا بیان را می‌گیرد، لذا دیگر جایی برای اجرای برائت عقلیه نیست.

اما از راه اطلاق مقامی یا این که بعداً به صورت امر نمی‌تواند بیان کند، اما بصورت جمله خبریه که می‌توانست بیان کند.

این مطلب در فرمایش مرحوم خوئی(ره) هم در اشکال به آخوند(ره) وجود دارد که فرموده‌اند: به صورت جمله خبریه که می‌توانست بیان کند، مثلاً شارع وقتی دفن میت را واجب می‌کند، به صورت جمله خبریه بیان کند که، در دفن میت قصد قربت معتبر است که، البته این هم بر می‌گردد به همان مساله اطلاق مقامی.

اگر دیدیم شارع بیان نکرد، معلوم می‌شود که در اینجا، قصد قربت دخالتی در مطلوب مولا و شارع ندارد، در نتیجه قاعده قبح عقاب بلا بیان به خوبی جاری است.

اگر نسبت به اعتبار قصد قربت هیچ گونه بیانی وجود نداشته باشد، در حالی که شارع می‌توانست از راه اطلاق مقامی یا جمله خبریه بیان کند.

مطلب دوم مرحوم آخوند(ره)

ثانیا نکته‌ای که در خیلی جاهای اصول هم به درد می‌خورد این است که، آیا به مجرد این که چیزی را احتمال دادیم که، در غرض مولا دخالت دارد، عقل می‌گوید که: باید آن را اتیان کنید؟ این بحث خیلی مهمی است که، به صرف این که شارع دفن میت را واجب کرده و احتمال می‌دهیم در این مطلوب مولا، قصد قربت هم دخالت دارد، آیا سبب می‌شود که عقل حکم کند که، ما باید حتماً آن عمل را بیاوریم؟

نقد و بررسی مطلب دوم مرحوم آخوند(ره)

اگر علم به دخالت شیئی در غرض مولا داریم، ولو مولا امری هم به آن نکرده باشد، باید آن را انجام دهیم. اما به مجرد احتمال دخالت در غرض، عقل حکم نمی‌کند به این که باید انجام شود.

به تعبیری که این تعبیر هم در فرمایش آقای خوئی(ره) هست، آنچه که در غرض مولا دخالت دارد، و به ما هم واصل شده، برای ما انجام و اتیان لازم است. اما اگر در واقع چیزی در غرض مولا دخالت دارد و احتمال هم می‌دهیم دخالت دارد، «اما لم یبین لنا و لم یصل الینا»، در اینجا عقل نمی‌گوید که: حتماً باید آن را اتیان کنیم.

در مساله غرض، وصول آنچه که دخالت در غرض دارد معتبر است، همانطوری که در باب تکلیف، اگر تکلیف به مکلف واصل نشود، تنجز ندارد، یعنی نمی‌تواند شارع بر مخالفتش عقاب کند. عقاب بر مخالفت و ثواب بر موافقت مشروط به وصول تکلیف

به مکلف است.

بنابراین این مبناي مرحوم آخوند(ره) که اگر چیزی را احتمال دادیم که، در غرض مولا دخالت دارد، ولو مولا به قدرت بیان هم ندارد، اما وقتی به ما نرسیده و اصل نشده، عمل به آن معتبر نیست.

پس بین ما نحن فیهِ و مساله اقل و اکثر ارتباطي از نظر برائت عقلیه فرقی وجود ندارد. اگر در اقل و اکثر ارتباطي برائت جاری کردیم، اینجا هم باید جاری کنیم و هیچ فرقی بین المسالتین نیست.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين